

به‌خاطر پرسپولیس کتک خوردم

شاهین موسوی: مدال المپیک رویا نیست

محسن وظیفه

تیم ملی بوکس در ماه‌های اخیر با درخشش دو بوکسور نامی خود، یعنی شاهین موسوی و دانیال شه‌بخش، بیش از همه بر سر زبان‌ها افتاد. شاهین موسوی بعد از کسب سهمیه در مسابقات اردن، امسال در قهرمانی آسیا هم خوش درخشید و حالا نام خودش را به‌عنوان یک ستاره‌ی نوظهور در این رشته بر سر زبان‌ها انداخته است. شاهین در نیمه‌نهایی قهرمانی آسیا به بوکسور قزاقستانی که نایب‌قهرمان المپیک بود، باخت و حالا خودش می‌گوید از این باخت نهایت استفاده را در توکیو می‌برد: «از مسابقات امارات به عنوان یک تورنمنت استفاده کردم و تجربه‌ای که در قهرمانی آسیا کسب کردم در توکیو به دردم می‌خورد.» حالا همه‌ی نگاه‌ها به سوی شاهین موسوی است، طرفدار فوتبال بوده و با کیک‌بوکسینگ شروع کرده، اما حالا نامش به‌عنوان یکی از ستاره‌های بوکس بر سر زبان‌ها افتاده، آیا او می‌تواند طلسم مدال نگرفتن‌ها را بشکند؟

بعد از یک هفته اردو در کیش، حالا دوباره در تهران تمرین می‌کنید، به فرمی که می‌خواستید رسیدید؟

اردوی کیش به‌خاطر شرایط آب و هوا در دستور کار قرار گرفت. هدف کادر فنی این بود که در این روزهای آخر اردو، کمی به شرایط آب و هوای توکیو نزدیک باشیم که بهتر خودمان را آماده کنیم.

الان در شرایط آرمانی قرار دارید؟

خدا را شکر اوضاع خوبی داریم. امکانات رفاهی و تمرینی مناسبی هم از سوی فدراسیون و هم از سوی کمیته‌ی ملی المپیک دریافت کردیم و با آرامش به مرز آمادگی کامل رسیدیم.

اینکه چطور وارد بوکس شدید هم جالب بود. گویا هیچ علاقه‌ای به این رشته نداشتید؟

من کیک‌بوکسینگ کار می‌کردم. پنج دایی دارم که همه ورزشکار هستند و تشویقم کردند که من هم کیک‌بوکسینگ را شروع کنم. در مقطعی هم سجاد کاظم‌زاده بود که هم عضو تیم ملی بوکس بود و هم گاهی در کیک‌بوکسینگ با هم تمرین می‌کردیم. بعد هم با دعوت سجاد به سمت بوکس آمدم تا اینکه به تیم ملی رسیدم.

خیلی زود هم رشد کردید.

شاید زود رشد کردم، ولی خیلی سخت بود. من در رقابت‌های استانی و قهرمانی کشور مسابقه دادم. برای رسیدن به تیم استانی هم خیلی تلاش کردم تا اینکه در مسابقات قهرمانی کشور، علیرضا استکی بازی من را دید و گفت به اردوی تیم ملی بروم.

آن زمان، علیرضا استکی را می شناختید؟

نه. بعد از مسابقه چند سوال از من پرسید و رفت. بعد از رفتنش از بچه‌ها در موردش پرسیدم، گفتند علیرضا استکی بود، سرمربی تیم امید.

بعد هم که به تیم ملی بزرگسالان رسیدید؟

آسان نبود. مدت‌ها تلاش کردم و سختی کشیدم اما امید دارم یک روز مزد همه‌ی زحماتم را بگیرم.

مدال المپیک مزد خوبی است؟

عالی، ولی اگر بتوانم بگیرم.

به رویای دست‌نیافتنی تبدیل شده است؟

نه، به نظرم رویا نیست. گرفتنش کمی سخت شده، به‌خاطر اینکه با دست خالی به جنگ رفتیم. با چوب که نباید رفت به جنگ تیربار. باید سلاح خوب داشته باشیم. یعنی امکانات و توجه و برنامه‌ریزی مناسب. حالا کمی اوضاع نسبت به گذشته بهتر شده، ولی کافی نیست و از رقبا عقب ماندیم.

اگر دنبال پول و امکانات بودید، نباید به سمت بوکس می‌آمدید. فوتبال گزینه بهتری بود!

فوتبال را هم خیلی دوست داشتم و دارم. یک پرسپولیسی دو آتیشه هستم. به‌خاطر پرسپولیس یکبار هم از دایی‌ام که استقلالی است کتک خوردم.

چرا فوتبالیست نشدید؟

چون از اول که فهمیدم ورزش چه شکلی دارد، چشمم به کیک بوکسینگ افتاد و ناخودآگاه به این سمت آمدم.

در قهرمانی آسیا به یک قدمی فینال هم رسیدید.

به نظرم خوب بودم. قزاق را هم شکست داده بودم. بوکسور خوبی بود، نایب‌قهرمان جهان بود. ولی خوب مبارزه کردم.

در توکیو علاوه بر قزاق‌ها، بوکسورهای کشورهای دیگر هم هستند .

ترس ما از بوکس دنیا ریخته و اگر همین بوکسور قزاق در توکیو به من برخورد کرد، بعید نیست شکستش بدهم.

این همه رشد به‌یکباره ممکن است؟

اردوی ازبکستان خیلی به ما کمک کرد. بعد بلافاصله مسابقات قهرمانی آسیا و رودرو شدن با قزاق‌ها برای ما خوب بود. فکر می‌کنم اعتمادبه‌نفس گرفتیم و می‌توانیم به موفقیت برسیم.

خیلی از بوکسورهای ما در المپیک به یک قدمی مدال رسیدند اما باختند. برخی به‌خاطر وسوسه‌ی پول شکست خوردند.

پول موضوع مهمی است. مگر می‌شود به پول فکر نکرد؟ الان وضعیت مالی من باید طوری بود که به پول فکر نکنم، ولی می‌شود فکر نکرد؟

مدال مهمی را به این خاطر از دست می‌دهید.

امیدوارم بتوانم بگیرم، دور از دسترس نیست. من خیلی سعی کردم خودم را از فضای مشکلاتی که دارم دور کنم و فقط به مدال و افتخارش فکر کنم. امیدوارم مدال بگیرم، چون مطمئن‌ام بعد از مدال، پول هم می‌آید.